■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۳۲ ■ شنبه ■ ۳۰مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۳۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ | اذان صبح فردا ۴/۵۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۸

سخن روز

پیامبر اکرم صلوات الله علیه:
بنده باخوش اخلاقی به مقام روزه گیر شب زنده دار می‌رسد.
بحارالأنوار، ج۷۱، صص۲۷۸ و ۳۷۳

مهم‌ترین محور برای استعمار فرهنگی، بحث زبان است

مهدی صالحی: هر فرهنگی بر محور زبان شکل گرفته و رشد کرده است و تا زمانی که یک فرهنگ بر آن محور رشد کند، بالندگی‌اش را حفظ خواهد کرد و از هر گزندی در امان خواهد بود. از همین بابت مهم‌ترین محور برای عملیات استعمار فرهنگی، بحث زبان است و به همین دلیل زبان به عنوان یک بحث سیاسی و امنیتی در حوزه قدرت مطرح است؛ آنچنان که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، انجمن زبان امریکا به تشکیل جلسه پرداخت و بر لزوم مبارزه با زبان‌های فارسی، عربی و کرد‌ای به عنوان زبان‌های رقیب تأکید کرد و بلافاصله بودجه‌ای ۱۱۴ میلیون دلاری برای حذف و مقابله با زبان‌های یادشده تصویب شد.

بخشی از گفته‌های این زبان شناس و عضو شورای دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری در مهر

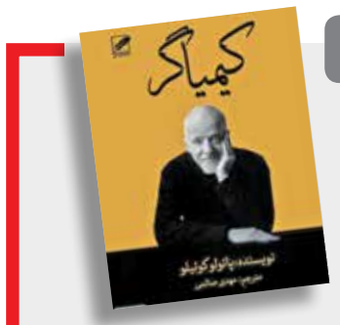

باور کنید که اگر خدا بخواهد چیزی را بدانید، کسی آن را به شما خواهد گفت.

کیمیاگر، پائولو کوئیلو، مهدی صائمی

طریقه دیکتاتوری و طریقه گفت‌وگو

یادداشت

مهدی جمشیدی
عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۱. نظر قطعیِ امام خمینی این بود که او بر «کرسیِ رهبری» تکیه بزند، امّا هرگز از این امر استقبال نکرد، بلکه خویش را به حاشیه راند تا حتّی در معرض چنین انتخابی نیز قرار نگیرد. در پی ارائه هیچ «مؤیّد»ی از سوی امام خمینی نبود تا مبادا به پشتوانهٔ اینچنین نظری، ذهن دیگران را مرعوب و به خود متمایل سازد. نگفت و نهفت و از صحنه بازیِ قدرت گریخت، درحالی که دیگرانی بودند که طلب و تمنّای قدرت داشتند، امّا چنین «برگ برنده»ای در اختیار نداشتند. آری، او به‌دنبال رهبریِ امّت نبود، امّا «تقدیر» چنین می‌خواست.

۲. آن‌گاه که به قدرت دست یافت، «مخالفان» و «منتقدانِ» پیشین خویش را قلع و قمع نکرد و از قدرت نراند، بلکه با همه آنها مدارا کرد و از درِ لطف و مرحمت وارد شد. او در پی آن‌همه ظلم و جفای نخست‌وزیرِ دهه شصت برنیامد و بر او نتاخت و از او انتقام نگرفت. اگر در گذشته که رئیس‌جمهور بود، صبر ورزید و مدارا کرد، اینک که رهبر شد، بسیار بیش از آن هنگام، طریق «پدرانه» و «دوستانه» را در پیش گرفت و موافقت و مخالفت با «خویش» را معیار حقّ و باطل ندانست.

۳. او «ولیّ‌فقیه» است و «نایب امام معصوم»، امّا هرگز برای خویش، «قداست» نمی‌تراشد. مبدأ «مشروعیّت» است، امّا بر دین و مردم اصرار می‌ورزد و از خویش سخن نمی‌گوید. می‌گوید نه فقط قابل مقایسه با حضرت امیر نیست، بلکه از قنبر، غلام آن حضرت نیز فروتر است. او می‌توانست «دکّان قداست‌فروشی» بگشاید و خویش را دریچه امام معصوم معرفی کند، امّا هرگز به‌گونه‌ای سخن نگفت و عمل نکرد که از آن، بوی الوهی و آسمانی بودن برخیزد.

۴. او همیشه به «قانون»، ارجاع داده و قانون را فصل‌الخطاب دانسته است، نه خویش را. بارها و بارها گفته است که باید قانون، ملاک عمل باشد و نباید «بدعت‌های قانون‌گریزانه» ایجاد کرد. او نظر خودش را بر قانون حاکم نمی‌کند، بلکه حتّی آنجا که قانون برخلاف نظرش باشد، باز خویش را موظّف به «اطاعت از قانون» می‌شمارد و معترض نمی‌شود. او قانون را محترم می‌انگارد تا همگان دریابند که حتّی رهبر نیز از قانون عبور نمی‌کند. او برای خویش در برابر قانون، «استثناء» نمی‌تراشد و «تبصره» نمی‌زند و «ویژه‌خواری» نمی‌کند، بلکه همچون یک شهروند عادی، تابع و تسلیم قانون است.

۵. او قدرت را در خویش، متمرکز نساخته و خود را تبدیل به «قدرت متمرکز» نکرده است. مجال نداده که در اطرافش، «انباشت قدرت» به وجود بیاید و نهادها و قوا، «بی‌قدرت» و «صوری» شوند. از یک سو، عمدهٔ بضاعت‌های نظام در دولت، تجمیع و انباشته شده است و از سوی دیگر، او خود در پی «تفویض» و «واگذاری» برآمده و بسیاری از نیروهای سیاسی و اجتماعی در قالب شوراها و نمایندگی‌ها و ... به «حضور مؤثّر» فراخوانده و قدرت را در میان «کنشگران متنوّع»، توزیع کرده است. از این رو، امروز با «قدرت توزیع‌شده» و «کنشگری‌های پخش‌شده» مواجه هستیم.

۶. او جامعه را نیز به‌صورت حداکثری، به «مشارکت» فراخوانده است و از نظریهٔ «مردم‌سالاریِ دینی»، روایت رقیق و اقلّی نداشته است. مردم‌سالاریِ دینی به روایت او، جوهره نظام است و مناسبات و معادلات سیاسی، وابسته به آن و برآمده از آن است. مردم‌سالاریِ دینی، محدود به انتخابات نیست و او «مردم‌سالاریِ انتخاباتی» را سقف و حداکثرِ مشارکت مردم در قدرت و تدبیر معرفی نکرده است، بلکه بر «مردم‌سالاریِ پساانتخاباتی» نیز اصرار ورزیده و فروع و اضلاعی را نیز برای حضور و فاعلیّتِ مردم در دوره پساانتخابات عرضه داشته است. او خواهانِ «حضور حداکثریِ مردم» است، نه گریزان از آن. او مردم را «رقیبِ» خویش نمی‌شمارد و نمی‌خواهد با تنگ‌کردن دامنه انتخاب‌ها و کنشگری‌های مردم، قدرتِ خویش را تثبیت کند، بلکه «مردمی‌سازی» را سازکار نافع و قطعیِ نظام قلمداد می‌کند.

۷. او یک «رهبرِ گفت‌وگویی» است؛ آن هم نه «گفت‌وگوی ساختگی»، بلکه «گفت‌وگوی واقعی». گفت‌وگویی که در آن «استدلال»، غالب است و «برهان»، تعیین‌کننده. گفت‌وگو در «شرایط برابر» و «بدون هراس از عواقب گفته‌ها». منطق او، «تحکّم» و «فرمان» و «امر» و «تحمیل» نیست، بلکه «همراه‌سازی» و «استدلال‌پردازی» و «اقناع» و «مباحثه» است. آن‌گاه که با دانشجویان دیدار می‌کند، به‌واقع «می‌شنود» و خود را در جایگاه «مخاطب مستقیم» می‌نشاند. به دانشجو حقّ می‌دهد که «صریح» بگوید و «شفاف» بخواهد و «انتقاد» کند؛ چه از او و چه از دفترش و چه از نهادهای منصوبش. هیچ چیز از پیش، طرّاحی نشده و تصنّعی نیست، بلکه مجال برای «گفت‌وگوی ساختارنیافته» فراهم شده است. گفته‌های چالشی و منتقدانه نیز زیر آن سقف، محبوس نمی‌شوند و خاص آن جمع محدود نیستند، بلکه رسانه‌ای می‌شوند.

نقش نقد در بالندگی فیلم کوتاه

درنگ

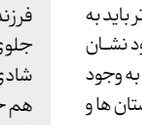

کمال پورکاوه
منتقد سینما

این روزها و با برگزاری سی و نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، دوباره بحث فیلم کوتاه، دستاوردها، موفقیت‌ها و آسیب‌شناسی این گونه جذاب از سینما مورد توجه و تمرکز محافل فرهنگی و هنری قرار گرفته است. ساخت و تولید فیلم کوتاه در طی این سال‌ها به چنان رشدی در میان فیلمسازان عمدتاً جوان دست پیدا کرده که به گواهی آمار، سالیانه بیش از هزاران فیلم کوتاه (بر طبق آمار رسمی، امسال ۱۹۹۶ فیلم کوتاه داخلی متقاضی حضور در جشنواره فیلم تهران بوده‌اند) در گوشه و کنار کشور ساخته شده که برای نمایش و مطرح شدن نام کارگردان و دیگر تولیدکنندگان اثر، راهی به جز حضور در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی پیش پای خود نمی‌بینند. نگاهی به چنین آمار تکان‌دهنده‌ای که از لحاظ کمی خبر از ذوق و علاقه بسیار زیاد جوانان به مقوله فیلمسازی در چهارچوب‌ها و ملزومات فیلم کوتاه را به ما ارائه می‌دهد، لزوم توجه به نقد فیلم و آسیب‌شناسی بسیاری از ساختارها و رویکردها را نیز در این زمینه برجسته می‌سازد. نگاهی ساده به حجم و تعداد زیاد نقد و تحلیل‌هایی که در رسانه‌های مختلف در هنگام اکران فیلم‌های بلند سینمایی دیده می‌شود و مقایسه آن با تعداد بسیار کم نقدهایی که درباره فیلم‌های کوتاه تولیدی به رشته تحریر درآمده است (آن هم در حالی که تعداد فیلم‌های کوتاه ساخته شده در طی یکسال حدود ۲۰ برابر تعداد فیلم‌های بلند سینمایی به نظر می‌رسد) بخوبی می‌تواند فاصله و شکافی را که میان منتقدان سینمایی و فیلمسازان فیلم کوتاه وجود دارد توضیح دهد.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تمایل منتقدان و نویسندگان سینمایی در پرداختن به فیلم کوتاه را بتوان در بافت این گونه از سینما جستجو کرد. جایی که مخاطبان بسیار زیاد فیلم بلند که عمدتاً آن را نوعی سرگرمی یا یک تفریح دسته جمعی می‌دانند در برابر مخاطب و تماشاگران اندک فیلم کوتاه که اصولاً برای درک و دریافت جهان‌بینی فیلمساز به سراغ آن می‌روند، امکان بازخورد و تأثیرگذاری نوشته منتقد را بیش از گونه‌های دیگر فیلمسازی به او داده و ارتباط منتقد را با طیف وسیع‌تری از خوانندگان میسر می‌سازد. اینجا است که معمولاً بسیاری از منتقدان سعی می‌کنند وقت و انرژی خود را روی آثاری قرار دهند که بازخورد بیشتر و گسترده‌تری در سطح جامعه پیدا می‌کند.

این نکته وقتی جلوه برجسته‌تری به خود می‌گیرد که بدانیم مخاطب عمده یک نوشته سینمایی را اغلب، طیف وسیعی از علاقه‌مندان و سینماروها هستند که تشکیل می‌دهند، درست برعکس فیلم کوتاه که نقد و نوشته مرتبط با آن بیش از هر چیز دایره تنگ فیلمساز، دست‌اندرکاران تولید و علاقه‌مندان جدی این گونه آثار را نشانه می‌رود. یعنی اگر در مناسبات فیلم بلند، کارگردان آخرین نفری است که به سمت مطالعه نقد می‌رود، در نقد فیلم کوتاه، این کارگردان و عوامل اصلی تولید هستند که مخاطب مهم یک نوشته محسوب می‌شوند.

شاید همین ویژگی مهم و کلیدی است که نقش تأثیرگذار نقد فیلم را در زمینه فیلم کوتاه بیش از هر چیز برجسته‌تر می‌سازد. اگر نقد فیلم بلند، بیش از هر چیز مخاطب را نشانه می‌رود، نقد فیلم کوتاه مستقیماً بر فیلمساز اثر گذاشته و او را با ویژگی‌ها و کمبودهای اثر ساخته شده بیش از پیش آشنا می‌کند. اینجا است که فیلمساز باهوش و جوان ما، با آموزه‌هایی که از نقد فیلم برای خود اندوخته است (بدون اینکه بتواند خودش را با میزان فروش بالای فیلمش در گیشه سینماها فریب بدهد و ضعف‌های اثر را با استقبال تماشاگران تاخت بزند) به درک و دریافت ارزشمندی می‌رسد که برای تولید فیلم بعدی‌اش یاریگر او خواهد بود.

به نظر می‌رسد حمایت مدیران رسانه از این گونه سینمایی و برنامه‌ریزی مدون برای ارائه مطالب تحلیلی و تئوریک که محلی برای بحث و ارتباط گسترده‌تر فیلمسازان و منتقدان را پایه‌ریزی می‌کند، بتواند گوشه‌ای از شکاف همیشگی میان منتقد و کارگردان فیلم کوتاه را پر نماید.

تئاتر دانشگاهی و پرهیز از تئوری زدگی افراطی

یادداشت

رضا مهدوی هزاوه
استاد دانشگاه

پیش از انقلاب تنها جایگاه جدی برای تحصیل در رشته نمایش پایتخت بود. سال ها گذشت تا اینکه دانشگاه آزاد به سرعت و در سطح شهرستان ها گسترش پیدا کرد. خیلی ها این گسترش را بی رویه و عجولانه می پنداشتند اما در حوزه تئاتر باید به مواردی اشاره کرد که این نظریه را مردود نشان می دهد. به اعتقاد من کیفیت از کمیت به وجود می آید. تأسیس رشته نمایش در شهرستان ها و جذب هنرمندان تجربی و محلی فضای نمایش کشور را به سرعت آکادمیک کرد. نگاه خلاقانه به موضوعات در تئاتر شهرستان چندان محل اعتنا نبود. بسیاری از هنرمندان بنابر رابطه مرید و مرادی صرفاً به سبک و سیاق هنرمندان پیشکسوت در شهر خود الگو برداری می کردند، اما با حضور دانشگاه آزاد در شهرستان ها بدنه تئاتر دچار یک شوک بزرگ شد و در واقع دانشگاه آزاد توانست نقش ویژه ای در این میان ایفا کند، به عنوان مثال در سال های ابتدایی تأسیس رشته نمایش در دانشگاه آزاد استادانی همچون «رکن الدین خسروی»، «دکتر حسن خاکی»، «کمال الدین شفیعی»، «فرهاد مهندس پور» و... با حضور در دانشگاه نقشی تعیین کننده در خلق روابط تازه ای بین تئاتر استان‌ها و دانشگاه داشتند. در آن زمان امکانات سخت افزاری چندان وجود نداشت، اما شوق استادان و انگیزه بالای دانشجویان چنان جدی بود که همه سختی ها به فراموشی سپرده می شد. در سال های دور که تعداد دانشجویان رشته نمایش زیاد بود و به تدریج امکانات هم زیاد می شد، دست کم هفته ای چند نمایش در دانشگاه اجرا می شد که این مسأله در تلطیف فضای خشک و جدی دانشگاه بسیار مؤثر بود. نمایش در ذات خود بر اساس دیالوگ شکل می‌گیرد. با بسط این رشته روحیه تعامل با یکدیگر و مدارا و رسیدن به جهان چند صدایی ایجاد می شود. در دانشگاه هایی که رشته نمایش وجود دارد نگاه مدیران ارشد ناخودآگاه بر مدار تساهل و تسامح خواهد بود. دانشگاه آزاد اثبات کرد که صرفاً عدم امکانات و... نمی تواند مانعی جدی برای پرورش استعدادهای هنری باشد. در سال های ابتدایی تأسیس دانشگاه انتخاب استادان بیشتر بر مبنای الگوهای تجربی و حرفه ای بود و نه مدرک گرایی صرف و همین باعث شده بود با پرهیز از تئوری زدگی افراطی دانشجوها بیشتر عملگرا و خلاق باشند. به همین دلیل خروجی دانشگاه آزاد در رشته های هنری به گمان من بسیار موفق بوده است، البته باید بپذیریم طی این چند سال دانشگاه آزاد دچار مشکلاتی از قبیل کمی ورودی دانشجویان در رشته نمایش نیز شده است که امیدواریم با راهکارهایی، دوباره به روزهای اوج تئاتر دانشگاه نزدیک شویم و این دور از دسترس نیست.

دوستی کودکان با احساسات

یک فنجان چای

شهرزاد عیدیه
روانشناس

چقدر احساساتتان را می‌شناسید؟ آیا آنها را می‌پذیرید؟ آیا انکارشان می‌کنید و نادیده می‌گیرید؟ قادر هستید با آنها کنار بیایید؟ چقدر و چگونه می‌توانید آنها را بروز بدهید؟ پاسخ این سؤالات به ظاهر ساده می‌تواند همه ابعاد زندگی من و شما را تحت تأثیر قرار دهد. خشم‌های سرکوب شده، غم‌های نهفته، شادی‌های فراموش شده و در یک کلام احساسات گم شده، به مرور زمان روح و روان ما را آزار می‌دهند و رنجور می‌کنند.

«مرد نباید گریه کند!» ، «تو بزرگ شده‌ای، باید همیشه قوی و محکم باشی!» ، «خجالت بکش، به خاطر چیز به این کوچکی آدم اشک می‌ریزد!» ، «آدم به خاطر یک اسباب‌بازی عصبانی می‌شود؟!»، «گربه که ترس ندارد!» همه این جملات یک پیام نهفته در خود دارند؛ «احساسات خودت را نادیده بگیر، تو حق نداری آنها را نشان بدهی.» پیامی بسیار مخرب و خطرناک. این پیام به مرور از ما انسانی می‌سازد که با احساساتمان بیگانه می‌شویم و آنها را به‌درستی نمی‌شناسیم. اما احساسات همیشه با ما انسان‌ها هستند، چه بخواهیم و چه نخواهیم.

وقتی واقعاً ندانیم و نفهمیم که چه احساساتی داریم و هیجاناتمان را به رسمیت نشناسیم، هرگز نمی‌توانیم به روشی درست آنها را بروز دهیم و مدیریت کنیم. نتیجه می‌شود، بزرگسالی که با کوچکترین چالشی از شدت عصبانیت فریاد می‌زند و دعوا راه می‌اندازد. مرد یا زنی که غم‌های فروخورده‌شان در دردهای جسمانی نمود پیدا می‌کند یا شاید آدمی که هرگز به خودش اجازه نمی‌دهد آزاد و رها شادی کند. احساسات جزئی از ما هستند. همه انسان‌ها حق دارند، ناراحت شوند و اشک بریزند، شاد باشند و قهقهه بزنند، عصبانی و برافروخته شوند، بترسند و.... ما هرچقدر هم تلاش کنیم، نمی‌توانیم آنها را از بین ببریم، فقط و فقط می‌توانیم با شناخت درستشان، آنها را در مسیر مناسب هدایت کنیم. احساسات مانند آب روانی هستند که اگر در مسیر صحیح یعنی رودخانه قرار بگیرند، منشأ آبادانی خواهند بود اما اگر از مسیر منحرف شوند، چون سیلابی دردسرساز می‌شوند و چیزی جز تخریب نخواهند داشت.

پس به‌عنوان یک انسان باید با احساساتمان آشتی کنیم و با شناخت آنها را در مسیر درست قرار دهیم. لازم است که با کودکانمان درباره احساساتشان حرف بزنیم و در این زمینه به آنها آموزش‌های لازم را بدهیم. این آموزش‌ها را باید از سنین بسیار پایین (حدود۲ سالگی) آغاز کنیم و در تمام سنین فرزندمان ادامه دهیم.

جلوی آینه بنشینید و کودکتان را در آغوش بگیرید و بخندید و شادی کنید و به او بگویید: «مامان خوشحاله، می‌خنده. حالا تو هم خوشحال شو.» بعد از شادی، نوبت غم، عصبانیت و ترس است. همه را انجام بدهید و با زبان کودکانه و شکلک درآوردن به او اطلاعات لازم را منتقل کنید. حتماً با زبانی مناسب سنش به او توضیح دهید که همه انسان‌ها، در موقعیت‌های مختلف همه احساسات را تجربه می‌کنند بنابراین هیچ احساسی زشت و خجالت‌آور نیست. به او بگویید که همه حتی مادرها و پدرها هم گاهی خجالت می‌کشند، می‌ترسند و عصبانی می‌شوند. حالا نوبت شماست که به‌عنوان یک الگو، سربزنگاه احساساتتان را به روش مناسبی مدیریت کنید تا او هم یاد بگیرد.

لازم است که نه‌تنها در گفتار بلکه در عمل هم به او یاد بدهید که احساسات ارزشمند و مهم هستند. پس اگر روزی روزگاری فرزندتان با دیدن یک حشره کوچک ترسید و فریاد زد، هرگز نگویید: «تو به این بزرگی از این فسقلی می‌ترسی!» بلکه احساساتش را بپذیرید و با لحنی همدلانه به ترسش اشاره کرده و درباره آن با هم صحبت کنید. اگر عصبانی است، اجازه دهید درباره آن حرف بزند و شما به‌عنوان یک شنونده فعال بدون قضاوت، سرزنش، نصیحت و تحقیر بشنوید. اگر روزی ناگهان در خیابانی ایستاد و در ادامه مسیر مردد شد، به جای اینکه با بی‌تابی دستش را بکشید و او را مجبور به ادامه مسیر کنید، بهتر است شما هم بایستید و با او درباره احساسش حرف بزنید. شاید او هم نمی‌داند چه احساسی دارد به او کمک کنید که علت تردیدش را کشف کند.

این روزها کتاب‌های بسیار خوبی در زمینه آموزش و مدیریت احساسات برای کودکان و نوجوانان وجود دارد که می‌توانید همراه فرزندتان بخوانید. قصه‌ها هنوز هم در دنیای کودکان معجزه می‌کنند. فلش کارت‌ها و تصاویری از چهره‌های غمگین، شاد، ترسیده و عصبانی را به دریا دیوار اتاقش بچسبانید و درباره آنها با هم حرف بزنید و آنها را دستمایه بازی‌هایتان کنید. اگر لازم است خودتان در دوره‌های مدیریت احساسات شرکت کنید تا بتوانید در این مسیر آگاه‌تر و همراه‌تر باشید.

عکس نوشت

در ایالت ماساچوست امریکا در کنار چندین موزه هنرهای زیبا، یک موزه عجیب هم به چشم می خورد، موزه هنرهای زشت (MOBA). موزه هنرهای بد یا موبا تنها موزه‌ای است که شرط نمایش آثار هنری در آن، این است که زشت و بد باشند! حتی اگر خود هنرمند به عمد اثرش را زشت خلق نکرده باشد، آثار نمایش داده شده در این موزه با معیار زیبایی تطابقی ندارند. در میان نقاشی‌های این موزه تابلویی از «سالوادور دالی» با عنوان «تداوم حافظه» هم دیده می‌شود./ایسنا

هنرمندان در فضای مجازی

با آنکه طی روزهای اخیر بخش عمده‌ای از تمرکز خبرهای فرهنگی متوجه اخبار سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران شده اما فعالان دیگر بخش‌ها نیز همچنان برای اطلاع‌رسانی و صحبت درباره کارهای تازه خود از طریق فضای مجازی و رسانه‌های رسمی در تکاپو هستند.

■ **یاد**

روز گذشته ادبیات جهان یکی از چهره‌های شاخص خود را از دست داد؛ «ژان تولی» کاریکاتوریست، فیلمنامه‌نویس و رمان‌نویس فرانسوی در ۶۹ سالگی درگذشت. آنطور که خبرگزاری رسمی کشورمان نوشته مرگ وی بر اثر ایست قلبی پس از مسمومیت غذایی رخ داده است. تولی در میان مخاطبان ایرانی بیش از همه به «مغازه خودکشی» شناخته می‌شود، رمانی به سبک کمدی سیاه که در بیشتر بخش‌های آن به شیوه‌ای خاص و البته عجیب با مرگ شوخی شده است. ترجمه فارسی این رمان چند سالی است به همت مترجمانی نظیر احسان کرم‌وبسی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب تا به امروز به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده که اقتباسی از آن به دنیای انیمیشن هم راه یافته است. سال ۲۰۱۲ انیمیشنی فرانسوی براساس این کتاب اکران شده‌است. نسخه صوتی کتاب هم پیشتر با صدای هوتن شکیبا در اپلیکیشن‌های کتاب در دسترس است. اثر مشهور دیگر وی رمان آدم‌خواران است که مانند مغازه خودکشی یکی از تکان‌دهنده‌ترین آثار این نویسنده به شمار می‌آید. این کتاب یک اتفاق مهیب اما واقعی را در یک دهکده روایت می‌کند که نویسنده برای نگارش آن علاوه‌بر مطالعه مدارک تاریخی، در خود دهکده نیز واقعه را از زبان نسل‌های بعد شنیده و تصویر ناب و تکان‌دهنده آن واقعه را به تصویر کشیده است. در کارنامه «ژان تولی» انتشار نزدیک به ۲۰ اثر مشاهده می‌شود که در اغلب آنها احساس شوخ طبعی‌اش مشهود است.

■ **چهره‌ها**

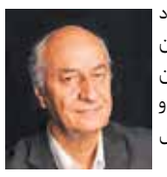

محمدرضا حقگو، بازیگر سریال‌های تاریخی و طنز، بویژه در دهه‌های پنجاه تا هفتاد تلویزیون در گپ و گفت صمیمانه‌ای که با ایسنا داشته، در پاسخ به اینکه همچنان پیشنهادی برای بازی به او می‌شود یا نه گفته: «پیشنهادهایی در این سال‌ها به من شده است اما نه حال آن را داشتم و نه موقعیتش را. دو اتفاق ناگوار برای من افتاد و من را از زندگی دلسرد کرد و آن اینکه همسر و دخترم را از دست دادم. به همین دلیل انگیزه‌ام برای کار کمتر شد.»

محمد آجورلو، مترجم سریال چینی «افسانه شجاعان» که این روزها از شبکه تماشا پخش می‌شود به ایرنا درباره این مجموعه تلویزیونی گفته: «افسانه شجاعان، سریال بسیار پرمحتوایی است، فیلمنامه خیلی قوی‌ای دارد و صرفاً یک سریال سرگرمی نیست. سریال‌های شرق آسیا آمیخته با حرکت‌های رزمی و شمشیربازی است که در این سریال ما بسیاری از این موارد را شاهدیم و از تکنیک‌هایی هم استفاده شده است.»

■ **اکران فیلمی نامتعارف!**

دنباله غم‌انگیز دلقک قاتل در سال ۲۰۱۶ به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی دیمین لئون، صنعت سینمای هالیوود را در آخر هفته‌ای که گذشت شوکه کرد. این فیلم که ساخت آن ۲۵۰ میلیون دلار هزینه در بر داشته در هفته نخست هم ۸۰۵ هزار دلار در گیشه فروش داشت. ترسناک۲ تماشاگران را وادار به غش و استفراغ می‌کند، در همین رابطه انتشار تصاویری از تماشاگرانی که در حین تماشای فیلم تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گرفته‌اند، این دنباله خونین را به چیزی شبیه یک تست استقامت برای طرفداران فیلم‌های ترسناک تبدیل کرده است. کارگردان ترسناک ۲ به تازگی درباره واکنش‌ها به این فیلم گفته: «من نمی‌خواهم مردم در طول فیلم غش کنند و صدمه ببینند اما این سوررئال است. این ترسناک ۲ است و قبل از اینکه آن را ببینید، لازم است ترورفایر ۱ را ببینید. در این صورت می‌دانید که وارد چه چیزی می‌شوید.» بسیاری از منتقدان، این فیلم را پیشرفتی در مقایسه با فیلم قبلی خود می‌دانند. سکانس‌های خشونت‌آمیز و وحشتناک منجر به فراخوانی خدمات اورژانس از بینندگان غش و استفراغ در سالن‌ها شده است.

■ **خبر روز**

پنج فیلم برتر آرای مردمی سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران تا پایان روز دوم این رویداد هنری معرفی شدند. عناوین این فیلم‌ها به ترتیب حروف الفبا شامل از اینجا باز شود، مریضخانه مرکزی، نحسی، نگران من نباش و نوشابه مشکی است. همچنین فیلم‌های بالا افتادن، شیهه، برنو، از دید نقاش و رعنا در این فهرست با کسب آرای نزدیک برای حضور در جمع پنج فیلم برتر با دیگر آثار رقابت می‌کنند. تا پایان روز دوم جشنواره سی و نهم بیش از سه هزار تعرفه توزیع شده است. این آمار در حالی ارائه می‌شود که برخی از این فیلم‌ها فقط یک نوبت (سانس) نمایش تا پایان روز دوم داشته‌اند.